

## «.. وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صَدُقُهُ...»

« .. خداوندا زبانی که صدق او به سویت بالا آید( عطایم کن)...»

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی      صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

یک نصیحت ز سر صدق، جهانی ارزد      مشنوار در سخنم فایده دوجْهانی نیست

سعدی

مناسب است سخن آغازین درباره اهمیت صدق و راستگویی، دعایی در همین زمینه باشد که قرآن کریم به ما تعلیم داده است:

« قُلْ رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا؛ بگو ای رسول! پروردگارا مرا در هر کاری با صداقت وارد کن و با صداقتخارج فرما، و برای من از جانب خودت، بصیرت و یابوری برایم قرار ده.» (اسراء، آیه ۸۰)

راستگویی و صداقت در بیان، از نیکوترین صفات و چنانچه اشاره خواهد شد یکی از صفات لازم پیامبری است که در هر کس محقق شود، در واقع، دریچه ای از نبوت به رویش گشوده شده است.

راستگو بودن از خصال پسندیده ای است که عقل و وجدان نیز در کنار شرع، به نیکویی آن حکم می کند، همان گونه که اگر شرعی هم در کار نبود، عقل و وجدان به تنهایی به زشتی دورویی و دروغ، اذعان می نمودند.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله آن گاه که در مقام نقل کرامت و ذکر ستایش از صحابی پاک باخته خویش، ابوذر غفاری قرار می گیرد، این گونه او را می ستاید:

«آسمان، سایه نینداخته است و زمین در برنگرفته است کسی را که راستگوتر از اباذر باشد». (شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۱۶۷)

نخستین وصف خوبان راستگویی است      نکو بشنو که این وصف نکویی است

کسی را کاین نکویی در زبان است      ز هر نیکویی اندر وی نشان است

دلی کز عشق، روشن آفتاب است  
 فروغش بر زبان، صدق و صواب است  
 هر آن نقشی درون دل نهان است  
 بر آن آئینه روشن زبان است  
 همان پاکیزگان، کز صفحه دل  
 به غیر از نقش حق، کردند باطل  
 سخن از حسن آن رخسار گویند  
 از آن صدق است، هر گفتار گویند

حکیم الهی قمشه ای

کاشانی گوید: « مراد از صدق، فضیلتی است راسخ در نفس آدمی که در اثر آن، ظاهر و باطن آدمی با هم مطابق شده و اقوالش موافق نیت او و افعالش مطابق احوال او خواهد گشت. و آن چنان که می نماید، در واقع نیز همان گونه خواهد بود.» (سید جعفر سجادی، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۳۰۲)

درباره صداقت و راستگویی در قرآن و حدیث، بسیار تأکید شده است که در اینجا به برخی از این آیات و روایات اشاره خواهیم کرد:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، تقوی پیشه کنید و با راستگویان باشید.» (توبه، ۱۱۹)

« قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداوند فرمود: امروز روز قیامت روزی است که صداقت راستگویان به کارشان آمد، و به حالشان نافع خواهد بود. آنها از بهشتی برخوردار خواهند شد که از زیر درختانش، نهرها جاری است و برای ابد در آن خواهند ماند. هم خدا از آنها راضی می باشد و هم آنها از خدایشان راضیند. این است همان رستگاری بزرگ.» (مائده، آیه ۱۱۹)

« وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ و بشارت ده مؤمنان را به اینکه برای آنان نزد پروردگارشان قدم صادقانه ثبت شده است.» (یونس، آیه ۲)

تو لحد خویش را پر کن از زر صدق  
 پر مکنش از مس شهوت و حرص و حسد

مولانا

امام صادق علیه السلام می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ به درستی که خدای عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، مگر آنکه باید دارای صداقت

در گفتار بوده و اهل ادای امانت به صاحبش باشند، چه اینکه صاحبش نیکوکار باشد، و چه بدکار باشد». (سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۹، ماده صدق)

و باز فرمود: « لا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سَجُودِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ اِعْتَادَهُ، فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ اُنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ؛ نگاه به رکوع و سجود طولانی شخص نکنید؛ زیرا چه بسا این کار برایش عادت شده باشد که اگر ترک کند به وحشت می افتد، بلکه نگاه کنید به راستگویی و امانتداری او». (همان، صص ۴۹ و ۵۰)

مرد باید که راستگو باشد	ور ببارد بلا بر او چو تگرگ
نام مردی بر او دروغ بود	کش نباشد به راست گفتن برگ
راستی را تو اعتدالی دان	که ازو شاخ خشک گیرد برگ
سخن راست گو، مترس که راست	نبرد روزی و نیارد برگ

جمال الدین اصفهانی

از فراز مذکور در مناجات که مسئلت می کند: « زبانی عطايم فرما که صدق آنبه طرف تو بالا آید» این گونه استفاده می شود که صدق با پروردگار عالم سنخیت و مشابهتی تام دارد، زیرا در این فراز اشاره شده است که صدق به طرف حق تعالی صعود می کند و این نیست مگر به سبب جایگاه رفیع صداقت و هم نشینی او با خداوند، که به حکم: «نوربان مر نوربان را جاذبند».

آنکه نور است، جذب می کند هر آنچه را که از جنس نور است. این فراز از مناجات خود از مصادیق آیه کریمه ذیل است که می فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛ به سوی او کلام پاکیزه و نیکو بالا می رود، و عمل صالح و نیکو، آن را مرتفع می گرداند.» (فاطر، آیه ۱۰)

از خصال که در کرام(سان های کریم) بود	هیچ بهتر ز راستگویی نیست
وز فعالی که با لئام(سان های پست) بود	بتر از کذب و از دورویی نیست

حسین بن اسعد دهستانی

## «... وَ نَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ...»

«... و نظری که حقیقتش موجب قرب درگاهت شود ( عطایم کن )...»

### • نگاهی شایسته به خداوند و تقرب جستن به او

بسیاری از نگاه های ما به پروردگارمان، هرگز شایسته مقامش نیست و دوری مان را از حضرتش سبب خواهد شد.

قضاوت های عجولانه مان، نگاه مشکوک مان درانجام وعده هایش، نگاه بد بینی نسبت به مهر و رحمت فراگیرش، نگاه مایوسانه مان به حصول امداد و فرج بهنگام حضرتش در سختی ها و شدايد و مانند آنها، همه و همه نظرهای ناشایست ما به مقام پروردگاریش می باشد.

اما آنچه که نظرشایسته و به تعبیر این بخش از مناجات « **حق نظر** » به مقام کبریایی اش است قضاوتی صحیح و نیکو نسبت به همه افعال او و اعتمادی کامل به انجام وعده های او، و یقینی نیکو به امدادهای غیبی به موقع حضرتش و ده ها نمونه از این دست می باشد، که چنین نگاهی قرب آدمی را، به مقام خداوندش سبب خواهد شد.

پروردگارا! آن نگاه، عطایمان فرما که شایسته مقام ربوبی بی زوال توست، و بهره ما را از چنین نگاهی، تقرب به آستانت قرار ده!